

بررسی سیاست جنایی ایران در قبال پدیده روسپیگری کودکان در حقوق ایران و پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون حقوق کودک

امید میرفردی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی سیاست جنایی ایران در قبال پدیده روسپیگری کودکان در حقوق ایران و پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون حقوق کودک اجرا شده است. روش اجرای این تحقیق توصیفی تحلیلی بوده است. همانگونه که از عنوان این جرم مشخص است، عنصر مهمی که در تحقق آن لازم است به کار بردن زور و قدرت توسط مرتکب برای برقراری رابطه جنسی با فرد مقابل است. در این راستا، فرد مقابل نیز البته به مقاومت و دفاع از خود بر می‌آید اما در نهایت این مرتکب است که با برتری در مقابل وی به مقصود خود می‌رسد. این مطالعه انتقادی در نهایت به ارائه پیشنهاداتی بمنظور اصلاح مقررات فعلی در زمینه جرم روسپیگری کودکان منجر خواهد شد. روسپیگری بعنوان یکی از پرچالش‌ترین بحرانها و آسیب‌های اجتماعی سالهای اخیر در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر جهان در حال افزایش است. علی‌رغم تلاشهای بسیار دولتها در جهت کاهش آن روز به روز با افزایش و رشد این پدیده در جهان مواجه هستیم. یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده سیاست جنایی است. لذا قضات در این گونه موارد احکام مربوط به "زنا" و "جرایم برضد عفت و اخلاق عمومی" را اجرا می‌نمایند. هدف از این تحقیق بررسی راهکارهای قانونی کشور ایران و کنوانسیون حقوق کودک در مقابله با این معضل اجتماعی و ارائه راه‌هایی جهت اصلاح سیاست جنایی و جبران خلاهای قانونی است که مهمترین این راهکارها، اصلاح قوانین جزایی ایران و جهان طبق کنوانسیون‌ها می‌باشد. بدین صورت که قانونگذار صراحتاً جرم روسپیگری را در قانون مجازات بیان کرده برای آن مجازات تعیین نماید و بدلیل تفاوت‌هایی که خصوصیات این جرم با جرم زنا دارد باید بین این دو مقوله تفاوت قائل شود. در این پژوهش از منظر جرم‌شناختی به بررسی علل پیدایش این پدیده پرداخته امید است که بتواند قدمی در راه اصلاح سیاست جنایی ایران در برابر این معضل بردارد.

واژه‌های کلیدی: روسپیگری کودکان، کنوانسیون حقوق کودک، سیاست جنایی ایران، جرم انگاری.

بیان مساله

در میان بزه دیدگان، کودکان نیاز به حمایت بیشتری دارند، زیرا کودکانی که آینده جهان و بشریت را تشکیل می دهند از آسیب پذیرترین افراد جامعه بشری محسوب می شوند. به همین جهت است که مصلحان بشریت از دیرباز تاکنون همواره در حمایت و مراقبت از آنان پیشگام بوده اند. (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۳) این حمایت از طریق اتخاذ یک سیاست افتراقی صورت می گیرد. سیاست افتراقی در قوانین داخلی به صورت جرم انگاری های خاص در حوزه حقوق و آزادی های کودکان یا به صورت تشدید مجازات جرایم علیه آنان متجلی می شود، زیرا حقوق کیفری به عنوان منعکس کننده ارزش های بنیادین حاکم بر یک جامعه، علاوه بر نقش آموزشی- فرهنگی که در تقبیح برخی رفتارها دارد می تواند به عنوان عاملی بازدارنده و پیشگیرانه در ارتکاب برخی رفتارها ایفای نقش کند. جامعه بشری تا حدی مسیر بی اعتنایی و اعمال ستم های بیشمار را نسبت به کودکان پشت سر نهاده و به جهت تحقق بخشیدن به حقوق انسانی کودکان اسناد بین المللی متعددی را به تصویب رسانده است. ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی به حقوق کودکان در راستای اعمال سیاستهای حمایتی برای آنان مطابق با معیارهای بین المللی، از یک سو و آسیب پذیری آنان در برابر انواع بهره کشی ها، از سوی دیگر، قانون گذاران داخلی را بر آن داشته است که درصدد اصلاح قوانین موجود و تدوین قوانین خاص اقدام کنند. (عبدالفتاح، ۱۳۹۴: ۵۴) مطالعه تطبیقی اسناد بین المللی و مقررات داخلی نشان می دهد که خلاء ها و نارسایی های متعددی در قوانین داخلی وجود دارد، مضافاً اینکه با قوانین کنونی نمی توان به طور مناسب مانع بهره کشی از کودکان شد؛ بنابراین به موازات تصویب اسناد بین المللی قانون گذار باید قوانین داخلی را اصلاح کند و به منظور مبارزه بهتر با جرایم سازمان یافته بین المللی و همکاری بیشتر با دیگر کشورها، کنوانسیونهای خاص این جرایم را تصویب کند و متعاقب آن، به جرم انگاری این جرایم در قوانین داخلی بپردازد. «روسی به معنای زن فاحشه و بدکاره بوده و مخفف روسپید می باشد و از باب تسمیه شیء به ضد، بر زنان هرزه و روسپاه به عنوان طعنه و تمسخر اطلاق می - شود» (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸، ص ۱۲۳۷۱). سیاست کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزه دیده جنسی بهره کشی جنسی قرار گرفته اند و سالانه حدود یک میلیون کودک وارد این مقوله میشوند؛ بنابراین گردشگری جنسی تبدیل به یک مسئله پویا شده و همواره در جریان است ۲۵۰ گردشگر جنسی از کشورهای جنوب / همچنین هر ساله حدود ۰۰۰ (عبادی، ۱۳۸۶: ۱۳۶) شرق آسیا دیدن می کنند که ۲۵ درصد از آمریکا، ۱۶ درصد از آلمان و ۱۳ درصد از استرالیا و علاوه بر آن، طبق آمارهای وزارت کشور آمریکا و انگلستان در سال ۲۰۰۵ هستند هر ساله یک میلیون کودک در سراسر جهان به فاحشگی اجباری کشیده می شوند که این موضوع مسئله مهم مبارزه با خشونتهای جنسی و بهره کشی از اطفال را مطرح میسازد و نیز گفته شده که در کشورهای جنوب شرق آسیا هر کودک هفته ای (صلایی، ۱۳۸۹: ۵۴) دو الی سه بار فروخته می شود و هر بار به طرز فجیعی مورد سوءاستفاده جنسی قرار می گیرد. در این میان استفاده از اینترنت به عنوان ابزاری جهت استفاده سریع و امکان تسهیل سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان به کار برده می شود. ارائه خدمات اینترنتی و طرحهای تبلیغاتی به وسیله این سامانه و نیز جذب حمایت گر، هدایت و راهنمایی گردشگران و ارائه پوستر و بروشور برای افراد مایل به مسافرت و گردشگری، می تواند از کارکردهای اینترنت به عنوان تسهیل کننده گردشگری جنسی باشد و فضای مجازی امکان پورنوگرافی یا هرزه نگاری کودکان را در سطح بسیار وسیعی مورد پوشش خود قرار داده است. لذا میتوان گفت استفاده از اینترنت بعد از سالهای ۱۹۹۰ که به یک پدیده جهانی بدل گشت، به موازات تشکیل گردشگری جنسی، امکان بسط و توسعه این صنعت منفی را در حد قابل قبولی فراهم با وجود چنین آمارهایی ۱ می توان گفت که (صفائی، ۱۳۸۹: ۵۶) کرده است. در کتابهای حقوق کیفری به سه دسته از انواع جرایم اشاره شده، جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی افراد؛ جرایم علیه مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. این طبقه بندی براساس موضوع جرم می باشد، نوع نگاه به جرایم و چرایی مجازات رفتارهای مختلف، در تقسیم بندی فوق یا طبقه بندی های مشابه، تأثیر به سزایی دارد (عبادی، ۱۳۸۶: ۸۹). هرچند قضاوت در خصوص موضوع جرم در جرائمی مانند قتل، سرقت، جعل و ... چندان مشکل نیست؛ اما قضاوت در مورد برخی از جرایم با مشکلات فراوانی مواجه است؛ زیرا پاسخ به چرایی جرم انگاری رفتار و تعیین ارزشی که قانونگذار با جرم انگاری در پی حراست از آن است، منوط به برخی مبانی فکری بوده که خود به مباحثی پیچیده منجر می شود. یکی از این جرایم بحث انگیز، جرم روسپیکری

است. چرایی جرم‌انگاری این پدیده، منوط به پاسخ چند سؤال است، موضوع این جرم چیست؟ آیا انسان بر جسم خود مالکیت مطلق دارد؟ معیارهای اخلاقی یا دینی موجود در جامعه تا چه میزانی می‌توانند به تحدید دایره آزادی‌های انسان در این حوزه بپردازد؟ جرم‌انگاری روسپیگری موضوعیت یا طریقیّت دارد؟ بزه‌دیده جرم آیا فرد روسپی، افراد جامعه یا افراد مرتبط با شخص روسپی هستند؟ همچنین پرسش‌های بسیار دیگری که ذهن اندیشمندان را به خود متوجه ساخته است. پس از پاسخگویی به این سؤالات، نحوه مواجهه با این پدیده مشخص می‌شود و جرم‌زدایی یا جرم‌انگاری معنا پیدا می‌کند. (شایان، ۱۳۹۴: ۹۸) در این نوشتار با فرض ضرورت ممنوع دانستن روسپیگری، به بررسی ابعاد جزایی و حقوقی آن پرداخته خواهد شد. این جرم از دسته جرائمی است که شخصیت بزهکار در عنصر مادی جرم دخیل می‌باشد؛ چرا که این جرم تنها از سوی زنان قابلیت ارتکاب دارد و تحقق آن از سوی مردان امکان‌پذیر نیست، هرچند شاید بتوان عناوین دیگری را برای مجازات مردان در نظر گرفت، اما عنوان روسپیگری از نظر عرف تنها اختصاص به زنان درگیر در رفتارهای جنسی دارد. سؤال دیگر اینکه آیا پول و توافق مالی در تحقق عنصر مادی این جرم جایگاهی دارد؟ هرچند یکی از عناصر مشترک تمامی تعاریف فوق، جنبه سوداگرانه زن است؛ اما به نظر می‌رسد که تلقی عرفی از این واژه، چنین تقییدی را نمی‌پذیرد و روسپیگری را اعم از توافقی مالی یا عدم آن می‌داند، اگر چه در بسیاری از موارد روسپی در معامله‌ای مالی وارد شده و خویش را در اختیار سایرین قرار می‌دهد؛ اما این واقعیت باعث تغییر معنای عرفی نمی‌شود. شاهد دلیل، این است که عرف هیچ ابایی ندارد که عنوان روسپی را بر زنانی بار نماید که بدون دریافت پول با افراد مختلف رابطه جنسی برقرار می‌نمایند. عرفاً چنین فردی روسپی محسوب می‌شود حتی اگر پولی نیز دریافت ننماید. (صفائی، ۱۳۸۹: ۸۷)

سوالات

سوال اصلی

آیا مجازات روسپیگری از نوع مجازات‌های مستوجب قصاص و دیات در کنوانسیون‌های الحاقی می‌باشد؟

سوالات فرعی

سؤال دیگر این است که در نظام کیفری اسلام، از میان دو نوع مجازات مستوجب حد و تعزیر، با کدامین ابزار می‌توان با پدیده روسپیگری به مقابله پرداخت؟

آیا روسپیگری بزه‌ای است که مستوجب مجازات حدی می‌باشد یا رفتاری است که استحقاق مجازات تعزیری را دارد؟

آیا قوانین موجود ابزارهایی برای برخورد با این پدیده تعبیه کرده‌اند؟

آیا روسپیگری جرم محسوب شده و مرتکب آن قابل مجازات است یا در این مورد با خلأ قانونی مواجه بوده است؟

فرضیات

فرضیه اصلی

فرضیه اصلی و اساسی که در اینجا مطرح می‌شود اینست بررسی سیاست جنایی ایران در قبال پدیده روسپیگری کودکان و پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون حقوق کودک سیاستی از نوع دیگر خواهانه می‌باشد.

سوابق پژوهش

اکبری و قناد، (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان سیاست کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزه‌دیده گردشگری جنسی نشان دادند گردشگری جنسی کودکان و نوجوانان در معنای سوءاستفاده، فحشا، بهکارگیری اجباری کودکان و نوجوانان در مراکز فساد و فحشا و بهره‌کشی جنسی از آنان و فراهم‌آوردن مکانهایی جهت خوش‌گذرانی و شهوت‌رانی مسافرانی که عموماً از کشورهای صنعتی و توسعه یافته هستند، امروزه به یکی از سودآورترین جرایم سازمان یافته فرا ملی تبدیل شده است و به عنوان یکی از خطرات جدی بردگی مدرن اطفال و نوجوانان، نوع جدیدی از بزه دیدگی کودکان را در دنیای جدید به نمایش گذاشته است.

آشوری و روایی (۱۳۸۹) خانواده و روسپیان خیابانی این تحقیق بخشی از تحقیقی است که بین سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ انجام شده است. قلمرو مکانی تحقیق شهر تهران و شهرستان های شمیرانات و شهرری را در بر می گیرد. افراد جامعه آماری این تحقیق روسپیان خیابانی هستند که در یک دوره زمانی یک ساله بین سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ در یکی از محیط های چهارگان (۱) مراکز مداخله در بحران بهزیستی (۲) بازداشتگاه پلیس امنیت اخلاقی (۳) زندان اوین و کانون اصلاح و تربیت و (۴) خیابان های سطح شهر حضور داشتند. از این میان تعداد ۵۱۲ نفر روسپی خیابانی به عنوان افراد جامعه نمونه مورد تحقیق قرار گرفتند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که بین سن شروع روسپیگری خیابانی و هر یک از متغیرهای مستقل هشتگانه تحقیق شامل (۱) بعد خانوار (۲) ساخت خانواده (۳) نظام اخلاقی خانواده (۴) وجود تعارض و تنشج در خانواده (۵) ارضای نیازها در خانواده.

علوی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تاثیر عوامل اجتماعی بر گرایش افراد به اعتیاد، سرقت و روسپیگری نشان دادند این تحقیق با هدف شناسایی و بررسی تاثیر عوامل اجتماعی در گرایش افراد به اعتیاد، سرقت و روسپیگری در شهر کرمان صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که عوامل اجتماعی بر اعتیاد، سرقت و روسپیگری تاثیر دارد.

روش تحقیق

روش اجرای این تحقیق به صورت توصیفی می باشد و محقق با استفاده از منابع کتابخانه ای اقدام به دسته بندی و فیش برداری و تحلیل مطالب خواهد نمود.

تعریف روسپی در لغت

تعریف لغوی «روسپی به معنای زن فاحشه و بدکاره بوده و مخفف روسپید می باشد و از باب تسمیه شیء به ضد، بر زنان هرزه و روسیاه به عنوان طعنه و تمسخر اطلاق می شود» (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸، ص ۱۲۳۷۱). هرچند برخی ادعا کرده اند واژه روسپی که معرب روسپی است در عصر صحابه و تابعین نیز به کار رفته است (همان)؛ اما در کتب معتبر لغت، مانند: معجم مقاییس اللغة، لسان العرب و جمهره اللغة نشانی از این واژه وجود ندارد.

اصطلاحی روسپی

تعاریف مختلف حقوقی برای روسپی و روسپیگری ارائه شده است:

- «ایجاب زن در خصوص جسم خویش برای نزدیکی جنسی یا سایر رفتارهای جنسی در قبال دریافت پول» (شایان، ۱۳۹۴: ۵۴). در این تعریف، پیشنهاد زن به مرد به عنوان رفتار مجرمانه شناخته شده است.
 - «تقاضا یا توافق جهت پرداخت پول در قبال رفتار جنسی» (ژرار-ژینا فیلیزولا، ۱۳۸۸: ۸۷). در این تعریف توافق طرفین مدنظر بوده است.
 - «روسپیگری عبارتست از انجام رفتار جنسی در قبال پول» (صانعی، ۱۳۸۸: ۸۷). در این تعریف، تحقق جرم روسپیگری منوط به تحقق نزدیکی جنسی است.
 - «روسپی به زانی اطلاق می شود که از راه خودفروشی امرار معاش می کنند و پیشه دیگری ندارند و تحت نظامات خاص این شغل به کار خود ادامه می دهند» (زاهدی اصل، ۱۳۹۱، ص ۱۹).
 - روسپی کسی است که به دیگری خدمات جنسی می دهد و در ازای آن پول دریافت می کند.
- قضاوت در مورد درستی تعاریف ارائه شده، منوط به بررسی عناصر تشکیل دهنده روسپیگری است. با شناخت مؤلفه های اصلی این پدیده، می توان تعریف روشنی از روسپیگری ارائه داد. (صلایی، ۱۳۸۹، ص ۱۱)

سابقه تاریخی کنوانسیون حقوق کودک

مساله حقوق کودکان، مساله جدیدی نیست. شروع آن به دوران بعد از جنگ جهانی اول باز می‌گردد. یکی از طرفداران اولیه حقوق کودک، اگلانتین جب، بنیانگذار مؤسسه نجات کودکان در انگلستان در سال ۱۹۱۹ م. بود. وی عقیده داشت که کودکان، بشدت قربانی سیاستهای اقتصادی غلط و خطاهای سیاسی و جنگی می‌باشند و در بسیاری از مواقع، فدای مسائل سیاسی می‌شوند. پس از پایان جنگ جهانی اول، به سبب پیامدهای جنگ و آسیبهایی که از این راه بر کودکان وارد آمد، در سال ۱۹۲۴ م. «اعلامیه حقوق کودک» در ژنو تنظیم شد که بیشتر، در زمینه تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیبهای جسمی و روانی ناشی از جنگ بود. تاسیس صندوق بین المللی کودکان (یونیسف) در سال ۱۹۴۶ م.، گام مهمی برای پرداختن به مسائل حقوقی کودکان جهان بود. یونیسف بر اساس قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد، بعد از جنگ جهانی دوم برای رهایی چهارده کشور اروپایی از بند فقر، گرسنگی، بیماری، بی سرپرستی و آوارگی، پایه گذاری گردید. همچنین، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ م. نیز منبع دیگری برای پیمان حقوق کودک بود؛ زیرا این اعلامیه، تمام انسانها را بدون توجه به ویژگیها شامل می‌شود که طبعا کودکان را نیز در بر می‌گیرد. (رحمدل، ۱۳۹۲: ۱۵۹)

در سال ۱۹۵۹ م، اعلامیه حقوق کودک به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که در واقع، اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی ریزی کرد و همچنین قرارداد بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۶۵ م. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ م؛ و کنوانسیون حداقل سن اشتغال کودکان ۱۹۷۳ م، مباحثی در ارتباط با حقوق کودکان بیان شده است (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۸۹).

همچنین دو پروتکل اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ تصویب شده است: یکی، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودکان، در مورد شرکت کودکان در جنگ و دیگری، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک، در مورد فروش، فاحشگی و پورنوگرافی کودکان. طرح کنوانسیون حقوق کودک که به ابتکار کشور لهستان و تلاش پروفیسور آدام لوباتکا از این کشور (که به مناسبت سال بین المللی حقوق کودک، اقدام به تهیه پیش نویس کنوانسیون کرد) در سال ۱۹۸۹، به اتفاق آرا تصویب شد، (۱۶) از یک مقدمه و ۵۴ ماده تشکیل یافته است. ۴۱ ماده آن مربوط به حقوق کودک می‌شود و ۱۳ ماده آن مربوط به نحوه اجرای آن در هر کشور. تاکنون، ۱۹۱ کشور از ۱۹۳ کشور جهان به آن پیوسته اند و فقط کشورهای آمریکا و سومالی تا به حال به این کنوانسیون ملحق نشده اند (صفائی، ۱۳۸۹: ۸۵).

تعریف و مفهوم کودک

از نظر این کنوانسیون، افراد انسانی کمتر از ۱۸ سال، کودک محسوب می‌شوند. در این تعریف، انتهای کودکی مشخص شده؛ ولی به ابتدای کودکی اشاره ای نشده است. (بابایی، ۱۳۹۰: ۵۱). شاید گفته شود که این مساله بدیهی است و ابتدای کودکی، از همان زمان تولد انسان می‌باشد ولی برخی گفته اند:

«این تصور از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ زیرا از نظر فقه شیعه، ابتدای کودکی از لحظه انعقاد نطفه می‌باشد.» ولی به نظر می‌رسد که این ایراد و برداشت از اسلام، قابل نقد باشد؛ چرا که اسلام، به هیچ وجه به مرحله «انعقاد نطفه تا تولد»، به عنوان «کودک» یاد نکرده است. هر چند از این دوران، مرحله به مرحله حمایت های ویژه ای کرده است، ولی نه با عنوان «کودک»، بلکه با عنوان «جنین». آیات متعدد قرآن و کتب فقهی، مؤید این مطلب است. (خالقی، ۱۳۹۲: ۶۳).

منافع کودک

در بند ۱ از ماده ۳ کنوانسیون، تامین منافع کودکان در کلیه اقدامات انجام شده توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرایی یا ارگانهای حقوقی، مورد تاکید قرار گرفته است؛ ولی با این همه مشخص نشده است که منظور از منافع کودکان چیست و چه معیار و مقامی برای تشخیص آن وجود دارد. همچنین در بند ۲ همین ماده، رفاه کودکان، با در نظر گرفتن حقوق و تکالیف اولیای آنها مورد تاکید قرار داده شده است و مسؤولیت تامین آن را بر عهده کشورهای طرف کنوانسیون قرار داده است. در بند ۳ هم ضمانت حسن اجرای امور ایمنی و بهداشت کودکان توسط سازمانهای

ذی ربط، به عهده کشورهای طرف کنوانسیون قرار داده شده است. البته کنوانسیون مذکور، ضمانت اجرایی برای قصور کشورها از این امر مهم، مشخص و تعیین نکرده است. (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۵۴)

تحقق حقوق کودک

در ماده ۴ کنوانسیون، دولت‌ها به استیفای حقوق اقتصادی و اجتماعی راهنمایی شده اند و در جهت بهتر ایفا شدن این نقش، امکان همکاری‌های بین المللی پیش بینی شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۴۵۲)

مسئولیت والدین

در ماده ۵ کنوانسیون، کشورهای طرف کنوانسیون، موظف به رعایت و محترم شمردن حقوق و مسئولیت‌های والدین یا سرپرستان قانونی آنان برای پرورش مناسب کودک هستند.

به رسمیت شناختن حق ذاتی (طبیعی)

در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون، حق ذاتی هر کودک برای زندگی، به رسمیت شناخته شده است و در بند ۲ هم تضمین ایجاد حداکثر امکانات برای بقا و پیشرفت کودکان، به عهده کشورهای عضو نهاده شده است. (جعفری لنگرودی ۱۳۸۹: ۵۴۱)

حفظ هویت شخصی کودک، از جمله، داشتن نام و تابعیت

در ماده ۷ کنوانسیون، ثبت تولد کودک، داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، مشخص شدن والدین و تحت سرپرستی گرفتن کودکان توسط والدین و قیم قهری یا قانونی، از حقوق کودک شناخته شده است و طبق بند ۲ همین ماده، لازم الاجرا بودن موارد مذکور، بویژه درباره کودکان در معرض آوارگی توسط کشورهای عضو، قطعی است. نکته ای که در این ماده از کنوانسیون قابل توجه است، کسب تابعیت کودک می باشد. آیا کودک زیر ۱۸ سال در کسب تابعیت، استقلال دارد؟ و آیا استقلال کودک در کسب تابعیت، در جهت حمایت از وی می باشد؟ کودکی که به سن ۱۸ سال نرسیده است، مساله ای با این اهمیت را چگونه می تواند به طور مستقل تصمیم بگیرد (حتی در موارد استثنایی مانند جنگ، اعتیاد و عدم صلاحیت اخلاقی والدین) چنین استقلالی نه تنها در جهت حمایت از کودک نیست، بلکه با مصالح و منافع کودک هم مغایرت دارد. این استقلال با قوانین داخلی ایران هم سازگار نیست؛ چرا که بر طبق قوانین داخلی، استقلال در کسب تابعیت، پس از رسیدن به سن ۱۸ سال است. حتی در موارد استثنایی نیز نباید چنین اجازه ای به کودک داده شود؛ بلکه باید جانشینی برای تحصیل تابعیت وی در نظر گرفته شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵. ۱۳۸).

منع قاچاق کودکان

در ماده ۱۱، قاچاق کودکان ممنوع اعلام شده است و کشورهای عضو کنوانسیون باید اقداماتی را در جهت مبارزه با انتقال و قاچاق کودکان و عدم بازگشت کودکان (مقیم) خارج، معمول بدارند (نوربها، ۱۳۷۵: ۳۱۲).

آزادی عقیده کودک

در ماده ۱۲ کنوانسیون آمده است که اولاً کودکانی که قادر به شکل دادن عقاید خود می باشند، بتوانند عقاید خود را در تمام موضوعات، آزادانه ابراز کنند و به نظرات آنها بها داده شود. ثانیاً به کودکان فرصت داده شود که در تمام مراحل دادرسی قضایی و اجرایی به وسیله نماینده خود در چارچوب قوانین کشور متبوع ابراز عقیده نمایند. (میل، جان استوارت، ۱۳۸۵) در ماده ۱۳ محدودیت‌های آزادی عقیده بیان شده است در ماده ۱۴ هم بر آزادی فکری عقیده و مذهب تاکید شده است و والدین و سرپرستان کودک، موظف به هدایت کودک در جهت اعمال این حقوق شده اند. اشکالی که در مورد مواد قبل قابل طرح است، عدم نظارت و کنترل بر رفتار چنین کودکانی است. اگر کودکی بر اساس حق آزادی، به اطلاعات کاملاً مغایر با اعتقادات خود دست یافت و هیچ گونه نظارت و کنترلی بر وی نباشد، بلکه ممنوع هم گردد (ماده ۱۶ - بند ۱ و ۲)، آیا این امر موجب آشفتگی فکری و روانی وی نمی شود؟ این آزادی بی قید، با معیارهای اسلامی هم منطبق نیست؛ چرا که اسلام، در توصیه های تربیتی خود، پرهیزهایی را در آداب معاشرت، شنیدن‌ها، گفتنیها و دیدنیها در نظر گرفته است، در حالی که کنوانسیون

کودک بر این نوع آزادی صحنه گذاشته است. البته بعضی ها خواسته اند نظرات فوق را تا حدودی تعدیل کنند و بیان داشته اند: (نرگسی، ۱۳۸۳ ص ۶۸) «آنچه کنوانسیون تحت عنوان آزادی فکر و عقیده و مذهب به کودکان اعطا می نماید، این است که کودک، به طور نامعقولی تحت فشار برای اجرای بعضی از شعائر مذهبی قرار نگیرد و به او فرصت داده شود با ارشاد از ناحیه والدین خود به نحوی پرورش یابد که پس از رسیدن به سن بلوغ، آزادانه به عقیده و ایمان پایبند گردد و مذهبی را که مآلا همان مذهب والدین خواهد بود، با بینشی واقع بینانه برگزیند» (بهشتی، ۱۳۸۷: ۵۴).

کودکان بی سرپرست و محروم از خانواده

بر اساس ماده ۲۰ کنوانسیون که در سه بند تنظیم شده است، اولاً محرومیت و یا محروم کردن کودک از خانواده به طور کلی منع شده است. ثانیاً در صورت وقوع چنین حادثه ای، کشورها باید مراقبتهای جایگزین را برای اینگونه کودکان لحاظ کنند؛ از جمله تعیین سرپرست و کفیل در قوانین اسلامی؛ فرزند خواندگی و یا در صورت لزوم، اعزام کودک به مؤسسات مراقبتی و ثالثاً، در برخورد با چنین مسأله ای، توجه خاصی به استمرار در تربیت کودک، قومیت، مذهب، فرهنگ و زبان کودک شده است. (آشوری و دیگران ۱۳۹۳: ۵۲).

فرزند خواندگی

علاوه بر ماده ۲۰ که در آن به مسأله فرزند خواندگی اشاره شده است، در ماده ۲۱ کنوانسیون هم دوباره بیان شده است که کشورهایی که سیستم فرزند خواندگی را به رسمیت شناخته و مجاز می دانند، باید منافع عالییه کودک را در اولویت قرار داده و بر طبق یک سری قواعد و مقررات منظمی درآوردند که مانع سوء استفاده و بهره برداری از کودک باشد؛ که فرزند خواندگی در اسلام پذیرفته نشده و کنوانسیون، مخالف با مقررات اسلام است، ولی باید گفت که خود کنوانسیون، صراحتاً کشورهایی را ملزم به رعایت حقوق فرزند خواندگی می کند که سیستم فرزند خواندگی را به رسمیت شناخته اند؛ بنابراین، مغایرتی با مقررات اسلام ندارد.

کودکان آواره و پناهنده

در ماده ۲۲ کنوانسیون، اولاً مسأله پناهندگی کودک به همراه والدین یا شخص دیگری مورد توجه قرار گرفته است و از کشورهای عضو درخواست شده است که طبق موازین حقوق بشر یا سایر اسناد بشر دوستانه عمل کنند. ثانیاً در صورت پناهندگی بدون والدین، جهت به هم پیوستن مجدد اعضای خانواده، سعی در ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودکان کنند. ثالثاً، در صورت نیافتن والدین و اعضا خانواده، با وی به عنوان کودکی که به طور موقت یا دائم از محیط خانواده محروم شده است، رفتار کنند. (مهر، ۱۳۹۰: ۲۵۰) نکته قابل توجه در این ماده این که اولاً پناهنده و پناهندگی تعریف نشده است و معلوم نیست به چه کسی پناهنده گفته می شود و منحصرأ کودک پناهنده مورد حمایت قرار گرفته، بدون آن که ضابطه و معیار خاصی در جهت تشخیص کودک پناهنده داده شود. ثانیاً پناهندگی از جهت بین المللی، دارای ضوابط و مقررات خاصی است، ولی تضمین برخورداری حق کودک برای پناهندگی حتی با شخص دیگر که منجر به جدایی از والدین می شود (به صورت مطلق) مستلزم محرومیت از روابط عاطفی با والدین است و صرفاً در شرایط اضطراری می توان پناهندگی را اصلح دانست، آن هم مشروط به آن که همراه با والدین ممکن نباشد؛ اما در شرایط و موارد دیگری که قوانین کشورها اجازه پناهندگی می دهد، به طور کلی نمی توان دوری و جدایی از پدر و مادر را تامین کننده مصالح عالییه کودک دانست (مهر، ۱۳۹۰: ۲۵۴).

کودکان اقلیتهای قومی و مذهبی

در ماده ۳۰ کنوانسیون، به کودکان اقلیتهای قومی و مذهبی توجه شده است و چنین اشخاصی باید حق برخورداری از فرهنگ خود و تعالیم و اعمال مذهبی و زبان خود را داشته باشند (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۷: ۲۷۰).

تفریح و فعالیت‌های فرهنگی

در ماده ۳۱، به ابعاد فرهنگی-هنری، از جمله کلیه زمینه‌هایی که موجبات تفریح و آرامش و در نتیجه، پرورش خلاقیت‌های مناسب کودک را فراهم می‌آورد، اشاره شده است و کشورهای عضو، موظف به محترم شمردن و فراهم نمودن و توسعه بخشیدن چنین حقی شده‌اند (آخوندی، ۱۳۸۱: ۷۸).

کار کودکان

در ماده ۳۲ کنوانسیون، به کار کودک و سن و شرایط کار کودکان توجه شده است و از دولت‌ها خواسته شده است که باید از استثمار اقتصادی کودک و هرگونه کاری که برایش زیانبار بوده و یا موجب توقف در تحصیل او شده و یا برای بهداشت جسمی، روحی، اخلاقی و اجتماعی او مضر باشد، جلوگیری نمایند و برای تامین این منظور، حداقل سن و حداکثر ساعات کار و سایر ضمانت‌اجراهای آن را تصویب و به اجرا درآورند. (همان، ۷۹)

منع شکنجه و اصول دادرسی

در ماده ۳۷ کنوانسیون، چند مورد قابل توجه است و کشورهای عضو، ملزم به رعایت آن هستند:

- ۱ - شکنجه و مجازات اعدام و حبس ابد برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام شده است؛ که یکی از عمده‌ترین دلایل امتناع کشور آمریکا از پیوستن به این کنوانسیون همین بند از ماده ۳۷ است؛ زیرا در ۲۵ ایالت آمریکا، حکم اعدام شامل اطفال زیر ۱۸ سال هم می‌شود و در موارد متعددی حکم اعدام به اجراء نیز گذاشته شده است.
- ۲ - دستگیری و بازداشت و یا زندانی کردن کودک به طور غیرقانونی و خودسرانه، ممنوع اعلام شده و از آنها به عنوان آخرین راه چاره استفاده شده است و در صورت زندانی کردن باید با او برخورد محترمانه و انسانی کرد (وزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹)
- ۳ - کودک، حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه و سایر مقامات ذی صلاح را داشته باشد. نکته‌ای که در این ماده ذکر نشده (و باید ذکر می‌شد)، این است که علیرغم تعلق این کنوانسیون به اطفال، هیچ‌گونه تعریفی از اطفال بزه کار نشده است و همچنین به بعضی از اصول مترقی حقوق جزا در مورد اطفال بزه‌کار توجه نشده است؛ از جمله این موارد، روش‌های جدید اقدامات تأمینی و تربیتی، عفو و ... می‌باشد. (آقا بیگلرلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵)

وضعیت برخی از کشورها، نسبت به کنوانسیون حقوق کودک

همان‌طور که گفته شد، از بین ۱۹۳ کشور جهان، ۱۹۱ کشور، کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده و به تصویب رسانده‌اند و فقط کشور آمریکا و سومالی تا به حال کنوانسیون را تصویب نکرده‌اند. آمریکا، دلایل تصویب نکردن کنوانسیون مذکور را به هم ریختن اقتدار والدین توسط کنوانسیون، عدم وجود مجازات اعدام برای اشخاص زیر ۱۸ سال (که در ۲۵ ایالت آمریکا برای چنین اشخاصی مجازات اعدام وجود داد)، موضوع حقوق (که فقط حقوق سیاسی و مدنی را به رسمیت شناخته است) و موضوع صلاحیت (که فدارالیسم بودن ایالات متحده، مانع پیوستن به کنوانسیون می‌شود؛ هر چند کشورهای برزیل، آلمان و مکزیک با وجود فدرال بودن، کنوانسیون مذکور را به تصویب رسانده‌اند) دانسته است (آشوری و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۷).

فیلیپین که در سپتامبر ۱۹۹۰، کنوانسیون مذکور را به تصویب رسانده است، قوانین خود را تا حدودی در جهت کنوانسیون تغییر داده و یا اصلاح کرده است. برای فحشا و خرید و فروش کودکان، قوانین جدیدی تصویب و یا در مورد حداقل سن کار کودکان، مطابق کنوانسیون، تجدید نظر شده است؛ اما در این کشور، سیستم دادرسی کودکان و نوجوانان، اصلاح نشده و کارشناسان و مشاوران حقوقی کودک تربیت نشده‌اند. در مورد ثبت قانونی کودکان، اقدامات جدیدی به عمل آمده و در ارتباط با مشکلات کودکان فحشا، سربازگیری، کار، آزار کودک و واحدهایی برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات تشکیل شده است (عبادی، ۱۳۸۶: ۶۵).

سريلانكا که در آگوست ۱۹۹۱، کنوانسيون حقوق کودک را تصويب کرده است، در سال ۱۹۹۵، قوانين جديدی را در مورد سوء استفاده جنسی از کودکان، کار کودکان و فرزند خواندگی، به تصويب رسانده و سن سربازی را از ۱۵ به ۱۸ سال افزایش داده است. همچنين، اعلاميه حقوق بشر را در برنامه های درسی خود وارد کرد (شایان، ۱۳۹۴: ۸۴).

کشور نپال که در اکتبر ۱۹۹۰، کنوانسيون مذکور را تصويب کرد، قوانين خود را در مورد سن کار کودکان، تغيير داد و برای هر ۷۵ منطقه کشور، یک مسؤول رفاه کودک تعيين کرده است.

کلمبيا که در فوریه ۱۹۹۱، کنوانسيون حقوق کودک را تصويب کرده است، بازرساني را در سطح ملی و استانها برای نظارت بر وضعیت کودکان، انتخاب کرده و در ضمن، آگاه سازی عمومی در زمینه پیمان حقوق کودک، از طریق رسانه های گروهی، سازمانها و مدارس، توسط دولت انجام داده است (بهشتی، ۱۳۸۷: ۶۱).

ایران و کنوانسيون حقوق کودک

جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که کنوانسيون حقوق کودک را در ۵ سپتامبر ۱۹۹۰ امضا و در آگوست ۱۹۹۴ (اسفند ماه ۱۳۷۲) تصويب کرده است. دولت جمهوری اسلامی ایران در هنگام امضای کنوانسيون به این شرح، اعلام حق شرط نموده است: «جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد حق شرط می نماید و این حق را برای خود محفوظ می دارد که هنگام تصويب، چنین حق شرطی را اعلان نماید.» با توجه به این که طبق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادهای و موافقت نامه های بین المللی باید به تصويب مجلس برسد، مجلس شورای اسلامی طی ماده واحده ای، الحاق به کنوانسيون را با همین قید کلی ملزم نبودن به موارد مغایر با موازین اسلامی و قوانین داخلی تصويب نمود. متن ماده واحده چنین بود: «کنوانسيون حقوق کودک، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست، تصويب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می شود؛ مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، لازم الرعایه نباشد.» ولی با این وجود، شورای نگهبان در نظریه شماره ۵۷۶۰ - ۱۳۷۲/۱۱/۴ خود به مجلس، موارد مخالفت کنوانسيون با موازین شرع را مشخصا اعلام داشته است؛ موارد مشخص شورای نگهبان عبارت بودند از بند ۱ ماده ۱۲ (آزادی عقیده) بند ۱ ماده ۱۳ (آزادی بیان) بنده ۲ ماده ۱۳ (محدودیتها نسبت به حق مذکور) بند ۱ ماده ۱۴ (آزادی فکر و عقیده و مذهب) بند ۳ ماده ۱۴ (محدودیتها نسبت به حق مذکور) بند ۲ ماده ۱۵ (محدودیت نسبت به حق آزادی تشکیل اجتماعات و شرکت در آنها) بند ۱ ماده ۱۶ (منع دخالت در امور شخصی و خانوادگی) بند ۱ قسمت ۱ ماده ۲۹ (جهت گیری آموزش کودک) (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

مجلس شورای اسلامی، پس از دریافت نظر شورای نگهبان، به جای این که موارد مشخص شورای نگهبان را تامین کند، با اصلاح یک عبارت کوچکی در متن ماده واحده (عبارت «باشد و یا» را بعد از کلمه «اسلامی» و قبل از کلمه «قرار گیرد» اضافه کرد) اکتفا کرد و آن را تصويب نمود و در واقع با این عبارت، شورای نگهبان یک حق تحفظ کلی را پذیرفت و مصوبه مجلس را تایید کرد؛ بدین صورت که «و ... مشروط بر این که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نباشد.» مفهوم شرط یاد شده، این است که دولت جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به کنوانسيون، در صدد بر نمی آید که قوانین خود را با مقررات کنوانسيون وفق دهد و آن را اصلاح کند، بلکه قوانین خود را اجرا می کند و در آینده نیز قوانینی را که مناسب بدانند وضع و اجرا می کند و به هر صورت، هر جا مقررات کنوانسيون با قوانین داخلی فعلی یا قوانین مصوب بعدی مغایر تشخیص داده شد، این مقررات برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نیست و همین امر است که مورد اعتراض بسیاری از کشورها قرار گرفته و این شرط کلی را غیر قابل قبول و غیرمنطبق با کنوانسيون می دانند (طیبی جبلی، ۱۳۹۲، ص ۸۱). البته برخی در این مورد معتقدند که دولت ایران با گنجانیدن چنین شرطی، در حقیقت قبول و اعتراف کرده است که بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسيون، مغایرت اساسی وجود نداشته و نباید داشته باشد و فقط در موارد جزئی، قوانین داخلی و موازین اسلامی ارجح است و استدلال خلاف آن نقض غرض خواهد بود. این خلاصه ای از موقعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسيون حقوق کودک بود.

ولی لازم به ذکر است که تصویب کنوانسیون حقوق کودک در ایران، بدین معنی نیست که سابقاً در ایران حقوق کودک رعایت نمی شد، بلکه قوانین و مقرراتی قبل از تصویب کنوانسیون مذکور وجود داشت که در جهت حمایت از حقوق کودک، تصویب و اجرا می شده است (صانعی، ۱۳۸۸: ۷۴).

فرآیند تصویب کنوانسیون

کنوانسیون حقوق کودک در زمره معاهدات حقوق بشری خاصی است که در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های کودکان در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسیده است. کودکان از جمله گروه‌های آسیب پذیر هستند که علاوه بر آنکه از حمایت‌های مندرج در اسناد عام حقوق بشر برخوردارند، اسناد خاص حقوق بشر نیز در حمایت از آنها به تصویب رسیده که از جمله مهمترین این اسناد کنوانسیون حقوق کودک است. در سال ۱۹۵۹ اعلامیه حقوق کودک در راستای حمایت از حقوق کودکان به تصویب رسید؛ اما از آنجایی که این اعلامیه تعهد الزام آوری برای دولت‌های عضو ایجاد نمی نمود و از طرف دیگر رشد فزاینده تضييع حقوق و آزادی‌های کودکان در سراسر جهان همچنان ادامه داشت، لذا تدوین سندی الزام آور در راستای حمایت از حقوق کودکان امری ضروری به شمار می آمد (صالحی، ۱۳۹۳، صص ۱۱۷-۱۴۲). گزارش‌های بسیار نگران کننده از وضعیت کودکانی که در کارهای سخت به کار گمارده شده‌اند یا مجبور به ترک تحصیل و ترک خانواده‌هایشان شده‌اند و همچنین کودکانی که در فحشاء و بهره برداری جنسی مورد استفاده قرار می گیرند و همچنین وضعیت نامناسب بهداشتی کودکان و... همگی لزوم توجه به حقوق آنها را گوشزد می نماید. از این روی در راستای حمایت مؤثر از حقوق کودکان، کنوانسیون حقوق کودک در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به اتفاق آراء از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت و تنها در نخستین روز ۶۱ دولت آن را امضاء کردند و در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ قابل اجرا شد. تا نوامبر سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۹۲ کشور به آن پیوسته‌اند و تنها دولت آمریکا که در فوریه ۱۹۹۵ این سند را امضاء نموده، هنوز کنوانسیون مزبور را تصویب نکرده است. (زاهدی اصل، ۱۳۹۱: ۸۷)

عناصر تشکیل دهنده روسپیگری

عنصر مادی

همانگونه که در کتاب‌های حقوقی اشاره شده است «هرآنچه که از شمول فعل و انفعال ذهنی مرتکب خارج و به نحوی تجلی بیرونی داشته باشد در چارچوب رکن مادی جرم قابل بررسی است» (آقایی نیا، ۱۳۸۵: ص ۲۴). تفاوت اساسی در تعاریف ارائه شده، در بخش عنصر مادی و در مهم ترین مؤلفه آن یعنی رفتار مجرمانه است بدین معنا که با توجه به تعاریف ذکر شده، اختلاف در این است که با چه رفتاری این جرم تحقق پیدا خواهد کرد. بی شک روسپیگری جرمی است که تنها با فعل مادی تحقق پیدا می کند و امکان ارتکاب آن با ترک فعل وجود ندارد؛ بدین معنا که تمامی حالاتی که برای رفتار مجرمانه متصور است در قالب فعل مادی تجلی می یابد؛ اعم از اینکه رفتار مجرمانه ایجاب، توافق یا نزدیکی جنسی دانسته شود؛ اما مسأله‌ای که باعث اختلاف در تعاریف فوق شده، نوع رفتار مادی است؛ آیا به صرف ایجاب و پیشنهاد رفتار جنسی از سوی روسپی، جرم تحقق می یابد؟ آیا علاوه بر ایجاب، توافق طرفین نیز باید حاصل شود تا جرم ارتکاب یابد؟ آیا در مرحله‌ای فراتر، تحقق رفتار جنسی برای ارتکاب جرم ضروری است؟ یافتن پاسخ به این پرسش، با موضوع مطلق یا مقید بودن روسپیگری نیز ارتباط پیدا می کند؛ زیرا اگر صرف ایجاب یا توافق برای تحقق جرم کافی باشد، روسپیگری به عنوان جرمی مطلق شناخته می شود؛ اما اگر تحقق نزدیکی جنسی نیز برای تکمیل عنصر مادی جرم، ضروری باشد، دیگر نمی توان مطلق بودن روسپیگری را مورد تأکید قرار داد، بلکه باید به مقید بودن این جرم حکم نمود. (آشوری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۴)

جرم به عادت

به نظر می رسد با توجه به معنای لغوی و برداشت عرفی این پدیده در جامعه، این جرم از انواع جرایم «مقید و به عادت» می باشد. به عبارت روشن تر این جرم با یک یا چند بار ایجاب و توافق یا چند بار زنا تحقق نمی یابد؛ بلکه باید عرفاً درگیری در این رفتار جنسی به حدی باشد که از آن عادت را استنباط نمود، زیرا عنوان روسپی در عرف جامعه ایرانی به افرادی اطلاق می شود

که رفتار جنسی را مکرراً انجام می‌دهند و به نوعی حرفه‌ای بودن و بزه‌پیشگی از آن برداشت گردد. بنابراین صرف ایجاب و قبول یا حتی برقراری رابطه جنسی و تحقق زنا، برای اطلاق عنوان روسپی کافی نمی‌باشد. هرچند برخی معتقدند برای تحقق جرم به عادت، حداقل دوبار، ارتکاب جرم ضروری دانسته شده و گاه تنها دوبار ارتکاب، کافی می‌باشد (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۹)، اما مقتضای تحقق جرم به عادت ارتکاب فعل معین در دفعات مکرر و به‌گونه‌ای است که عادت مرتکب یا به عبارت دیگر بزه‌پیشگی وی از ارتکاب این افعال احراز گردد (آخوندی، ۱۳۸۱: ص ۱۶۷). به نظر می‌رسد که داوری عرف در استنباط تحقق یا عدم تحقق عنوان عادت، باید ملاک رفتار باشد به این دلیل که عرف جامعه در مورد این دسته جرایم بایستی عادت را احراز نموده و شخص را دارای عادت محسوب نماید. بدین دلیل برخی حقوقدانان دفعاتی را که از آنها عادت استنباط می‌گردد از مسائل حکمی دانسته که دیوان عالی کشور باید نسبت بدان اعمال نظارت نماید (آقا بیگلوی، رسول زاده طباطبایی، موسوی، ۱۳۹۰: ص ۲۶۰).

عنصر معنوی

عنصر معنوی یا رکن روانی جرم، همان فعل و انفعال ذهنی مغایر با قانون جزایی دانسته شده است. بنابراین شخصی که ذهنش فعل و انفعال نداشته باشد، موضوع حقوق کیفری قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر شخصی قابلیت و صلاحیت داشتن فعل و انفعال ذهنی را دارد که توانایی اندیشیدن و خواستن را دارا باشد. «فعل و انفعال ذهنی، گاه تفکر مجرمانه است که از آن جرم عمدی حاصل می‌گردد و در برخی مواقع، کاهلی، قصور و عدم تفکر است که نتیجه آن جرم غیرعمدی است» (صانعی، ۱۳۸۸: ص ۱۹۸). برای تحلیل عنصر روانی و فعل و انفعال ذهنی شخص روسپی، شناخت عنصر روانی در جرایم به عادت ضروری است. آیا باید بزه‌پیشگی و عادت به ارتکاب جرم مورد قصد مرتکب نیز باشد؟ به عبارت دیگر برای آن که شخص به جرم به عادت مانند اشتغال به حرفه فروش اموال مسروقه موضوع ماده ۶۶۲ ق.م.ا. محکوم شود، باید علاوه بر علم به اینکه این مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده، حرفه شدن رفتار خود را نیز قصد نماید؟ به نظر می‌رسد هیچ دلیل قانونی و حقوقی برای الزامی کردن وجود چنین قصد مضاعفی وجود ندارد. به عبارت دیگر آن چه در رکن روانی جرم به عادت ضروری است، تنها سوءنیت عام نقض مکرر دستور قانونگذار است. با توجه به این مقدمه، سوءنیت عام برای تحقق رکن روانی جرم روسپیگری کافی است و نیاز به اثبات هیچ امر دیگری نیست. به عبارت دیگر، آن چه در رکن روانی روسپیگری ضروری است اثبات این نکته است که روسپی با علم به ممنوعیت برخی رفتارهای جنسی، به صورت مکرر به ارتکاب این دسته از فعالیت‌ها پرداخته است. انگیزه نیز در رکن روانی این جرم بی‌تأثیر است و داشتن یا نداشتن انگیزه‌ای خاص در ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم تأثیری ندارد. به نظر می‌رسد اگر فرد روسپی به خاطر وضعیت بد مالی اقدام به این رفتار نموده باشد، می‌تواند از کیفیات مخففه موضوع ماده ۲۲ ق.م.ا. برخوردار شود. بنابراین می‌توان تعریف ذیل را از جرم روسپیگری ارائه داد: «روسپیگری عبارت است از تحقق مکرر نزدیکی جنسی زن با مردان به‌گونه‌ای که فرد عرفاً به زنا اشتغال داشته باشد». لذا روسپی، شخصی است که به صورت مکرر به دیگران خدمات جنسی ارائه می‌دهد. (صفائی، ۱۳۸۹: ۷۸)

چرایی جرم‌انگاری

می‌توان چرایی ممنوعیت روسپیگری را از دو جنبه مختلف بررسی نمود:

با نگاهی ابزارگرایانه؛

روسپیگری مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرد تا بدین وسیله از ارتکاب رفتارهای جنسی ممنوع مانند زنا جلوگیری به عمل آید. در این رویکرد جرم‌انگاری روسپیگری مصداقی از جرایم مانع است. یعنی آن دسته جرائمی که به منظور ایجاد مانع برای جرایم دیگر ایجاد می‌شوند.

موضوعیت داشتن روسپیگری؛

در این نگاه روسپیگری جنبه طریقت ندارد، بلکه اصطلاحاً موضوعیت دارد. یعنی در جرم‌انگاری این پدیده، قانونگذار به این مهم توجه دارد که روسپیگری به خودی خود و صرفنظر از جرایم مترتب بر آن، جرم بوده و باید برای آن مجازات تعیین گردد. نگاه دیگر به نحوه جرم‌انگاری روسپیگری که در بسیاری از کشورهای اروپایی عملیاتی شده عبارتست از جواز اصل روسپیگری و جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با آن مانند: قوادی، امرار معاش از طریق روسپیگری، دایر کردن فاحشه‌خانه و... می‌باشد. با توجه به این دو دیدگاه مختلف، در بیشتر کشورهای اروپایی این رفتار به‌خودی خود دارای ممنوعیت نیست، اما در آمریکا تنها در ایالت نوادا، روسپیگری مجاز است و در سایر ایالات رفتاری مجرمانه محسوب می‌شود (صلایی، ۱۳۸۹: ۸۷)

مبنای جرم‌انگاری

به‌طور کلی سه اصل مختلف در مورد جرم‌انگاری وجود دارد که تمامی ممنوعیت‌های قانونی به یکی از آنها بازگشت می‌نماید. در ادامه شمول هر یک از این اصول نسبت به پدیده روسپیگری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

اصل ضرر

به عبارت بهتر اصل عدم ضرر است. بر این اساس تنها رفتارهایی باید از طرف جامعه ممنوع و با مجازات مواجه شود که ضرر مادی و خارجی به افراد دیگر می‌رساند. این مبنای جرم‌انگاری، ریشه در اندیشه‌های فیلسوف مشهور قرن هجدهم «جان استوارت میل» دارد، وی برای اولین بار به تنقیح مبانی این رویکرد همت نهاد و با این مبنا به نقادی ساختار حقوقی و دایره امور ممنوع پرداخت (میل، ۱۳۸۵: صص ۲۹۰-۲۳۸). در این دیدگاه دولت تنها زمانی می‌تواند آزادی‌های شهروندان را تحدید نماید که رفتارهای اشخاص به سایرین آسیب رساند. همین مبنا بعدها در اوایل دهه ۱۹۵۰ م. مورد پذیرش کمیته «ولفندن» قرار گرفت و براساس این نظریه به مجلس انگلستان پیشنهاد شد که از روسپیگری جرم‌زدایی شود و تنها رفتار علنی افراد روسپی مورد جرم‌انگاری قرار گیرد (رحمدل، ۱۳۹۲: ۸۹). به نظر می‌رسد نمی‌توان روسپیگری را با این مبنا مورد جرم‌انگاری قرارداد؛ زیرا در این رفتار هیچ‌گونه ضرر ملموس مادی به افراد وارد نمی‌شود. برخی از اندیشمندان معتقد به اصل ضرر، برای تکمیل این اصل، ممانعت از ایجاد ناخوشایندی شدید برای دیگران را مطرح می‌کنند (زاهدی اصل، ۱۳۹۱: ۴۱۰).

حمایت‌گری قانونی

اصل پدرسالاری، قیم مآبی یا حمایت‌گری قانونی عبارت از «محدود کردن آزادی فرد، به‌خاطر مصلحت خود مرتکب است، یعنی برای محافظت خود از برخی آسیب‌های جسمانی یا روانی، قانون به تحدید آزادی‌های وی می‌پردازد و نقض این ممنوعیت‌ها را با مجازات پاسخ می‌دهد» (دولت آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). براساس این اصل، دولت در مقام دفاع از حقوق واقعی شهروندان برمی‌آید و با ممنوعیت برخی رفتارها به ایشان اجازه نمی‌دهد که به خویشتن آسیب برسانند یا با ایجاد برخی تکالیف و مسئولیت‌ها، افراد را ملزم می‌سازد به خود سود برسانند و بر ترک چنین تکلیفی مجازات مقرر می‌نماید؛ مانند: الزام قانونی به بستن کمربند ایمنی یا ممنوعیت استفاده از مواد مخدر و سایر مواد روان‌گردان یا ضرورت سوادآموزی. با پیشرفت‌های پزشکی و حمایت‌های قانونی از افراد روسپی، دیگر نمی‌توان ضرر جسمی یا ابتلاء به بیماری خاصی را برای این افراد تصویر نمود چرا که مراقبت‌های پزشکی و صدور گواهی سلامت و مجوز عدم ممنوعیت برقراری رابطه جنسی، امکان ایجاد ضرر جسمی را در بسیاری از مناطق از بین برده است، اما به نظر می‌رسد برخی آسیب‌های روانی که افراد روسپی در معرض آن هستند، مانند: انواع افسردگی‌ها، می‌تواند دلیل مناسبی برای جرم‌انگاری این رفتار باشد؛ آسیب‌هایی که بی‌شک زندگی زناشویی فرد و نوع تعامل با فرزندان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. چنین توجیهی، دلیل کافی برای قانونگذار جهت ممنوعیت عمل قرار می‌دهد؛ اما این دلیل مورد قبول قریب به اتفاق کشورهای اروپایی قرار نگرفته؛ لذا با تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف به سالم‌سازی فعالیت‌های جنسی افراد روسپی می‌پردازند؛ زیرا اساساً آسیب‌های روانی موضوع و مسأله آنان نمی‌باشد.

بررسی فقهی روسپیگری

این واقعیت که در صدر اسلام پدیده‌ای به نام روسپیگری وجود داشته، امری غیرقابل انکار است؛ چرا که قضایای تاریخی مختلفی در این راستا در کتب تاریخی نقل شده است؛ اما وجود یا عدم تحقق تاریخی این پدیده هیچ اثر عملی بر مباحث فقهی و حقوقی ندارد؛ چرا که وقتی می‌توان امری را منشأ اثر در حوزه احکام فقهی و به تبع در ساحت حقوق داخلی دانست که آن واقعیت اجتماعی، موضوع حکمی از احکام شرعی قرار گرفته باشد و شارع آن را مشمول خطابی از خطابات شرعیه قرار داده باشد. با عنایت به این حقیقت که در کتب فقهی، فقها به تبع روایات به حکم خاصی در مورد روسپیگری در باب مجازات-های اسلامی نپرداخته‌اند، به صورت لمّی (رسیدن از معلول به علت) این حقیقت معلوم می‌شود که این رفتار به صورت مستقل موضوع حکمی از احکام فقهی نیست و لاجرم باید نحوه برخورد با آن را با کمک گرفتن از عمومات و اطلاقات سایر ادله شرعی به سامان رساند. «اما این ادعا که روسپیگری در دوران حکومت صدر اسلام وجود نداشت تا نوع برخورد پیامبر اکرم (ص) الگویی در این زمان باشد؛ نکته‌ای غیرقابل قبول است» (صفائی، ۱۳۸۹: ص ۵۱).

مجازات روسپی در فقه

مجازات روسپیگری از نوع مجازات‌های مستوجب قصاص و دیات نمی‌باشد. سؤال مهم این است که در نظام کیفری اسلام، از میان دو نوع مجازات مستوجب حد و تعزیر، با کدامین ابزار می‌توان با پدیده روسپیگری به مقابله پرداخت؟ آیا روسپیگری بزه‌ی است که مستوجب مجازات حدی می‌باشد یا رفتاری است که استحقاق مجازات تعزیری را دارد؟ مشهور فقها تعداد جرایم مستوجب حد را هشت جرم زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف، سرقت، شرب خمر و محاربه (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: صص ۸۹۱-۸۶۲). برخی دیگر تعداد این جرایم را تا شانزده جرم احصا نموده‌اند (بولاجی و جمادی ۱۳۹۲ صص ۴۰۷-۲۰۴). روسپیگری به صراحت به عنوان یکی از جرایم مستوجب حد شناخته نشده، اما حوزه تعریف جرم «محاربه» و «افساد فی الارض» در مورد بسیاری از جرائم، دارای اثرات اجتماعی گسترده، مورد استناد قرار گرفته است. حال این سؤال مطرح می‌شود که در شریعت دو موضوع تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض وجود دارد؟ آیا محاربه یکی از مصادیق افساد فی الارض است یا افساد فی الارض شرط تحقق جرم محاربه می‌باشد؟! به عبارت دیگر تنها یک جرم به نام محاربه وجود دارد و افساد فی الارض یک تأسیس مستقل شرعی نیست. این دو نظریه هریک طرفدارانی دارد. ادله‌ای که منکرین استقلال افساد فی الارض اقامه می‌کنند (قاسم زاده، ۱۳۸۶، ص ۳).

روسپیگری و قوانین کیفری

پس از بررسی نحوه تعامل مجازات‌های اسلامی با پدیده روسپیگری و شناخت مجازات‌های مستوجب تعزیر به عنوان ابزاری مناسب جهت برخورد با آن، نوبت به واکاوی قوانین موضوعه در برخورد با روسپیگری می‌رسد. آیا قوانین موجود ابزارهایی برای برخورد با این پدیده تعبیه کرده‌اند؟ آیا روسپیگری جرم محسوب شده و مرتکب آن قابل مجازات است یا در این مورد با خلأ قانونی مواجه بوده؟ ابتدا قوانین پیش از انقلاب پیگیری می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۹۸)

قوانین قبل از انقلاب

در قانون مجازات عمومی با توجه به محوریت عرف، تهدید و حيله در جرم دانستن رفتارهای جنسی، به نظر می‌رسد نمی‌توان روسپیگری مبتنی بر رضایت طرفین را جرم دانست. به عبارت دیگر قانونگذار در سال ۱۳۰۴ رفتارهای جنسی مبتنی بر عرف و تهدید یا رفتارهایی که در حکم عرف و تهدید هستند را مورد مجازات قرار داد و مانند بسیاری از قوانین فعلی کشورهای اروپایی دغدغه منع روابط نامشروع را نداشت. این مطلب کاملاً از مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۸ مکرر و ۲۰۹ ق.م.ع. برداشت می‌شود. به صورت استثنایی ماده ۲۱۲ ق.م.ع. برای روابط نامشروع افراد متأهل حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال را در نظر گرفته بود. دو ماده در قانون مجازات عمومی تا حدودی مرتبط با بحث روسپیگری بود. ماده ۲۱۱ ق.م.ع. مقرر می‌داشت: «اشخاص ذیل به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال و به تأدیه غرامت از دویست و پنجاه الی پنج هزار ریال محکوم می‌شوند: ۱- کسی که عادتاً

جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور و اناث به فساد اخلاق یا شهوت‌رانی تشویق کند یا فساد اخلاق یا شهوت‌رانی آنها را تسهیل نماید؛ ۲- کسی که عادتاً دیگری را اعم از ذکور و اناث به منافیات عفت وادارد یا وسایل ارتکاب را برای او فراهم سازد؛ ۳- قوآد یا کسی که فاحشه‌خانه دایر یا اداره کند یا زنی را برای شهوت‌رانی غیر اجیر کند...». اگر بند سوم وجود نداشت، ممکن بود برداشت شود که این ماده در مقام جرم‌انگاری قوادی است؛ اما با بند سوم و تصریح به جرم بودن قوادی، این امکان فراهم می‌شود که با تفسیری موسع، روسپیگری مشمول بند اول و دوم این ماده گردد؛ اما به نظر می‌رسد، بند اول و دوم نوعی از معاونت را جرم‌انگاری می‌کند. (دولت آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

قوانین بعد از انقلاب

بررسی رویکرد قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون معتبر و رایج در کشور دارای اهمیت به‌سزایی است. قانون مجازات اسلامی به جرایم ضدعفت و اخلاق عمومی اشاره می‌نماید. مواد ۶۴۱ - ۶۳۷ ق.م.ا. به جرایم ضدعفت و اخلاق عمومی اشاره می‌نماید. هرچند قانونگذار به برخی دیگر از جرایم جنسی، مانند: زنا، لواط، مساحقه، تقبیل و... در بخش حدود پرداخته است، اما در ذیل جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی به جرایم و عناوینی اشاره کرده که قابل تطبیق با بسیاری از رفتارها می‌باشند. بنابراین باید معلوم شود آیا روسپیگری شامل این مواد می‌شود؟ در این راستا بررسی سه ماده ۶۳۹ - ۶۳۷ ق.م.ا. از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- ماده ۶۳۷ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود». بی‌شک با استناد به این ماده نمی‌توان به مجازات فرد روسپی پرداخت. زیرا در این ماده، روابط نامشروع یا عمل منافی عفت مورد نهی قرار گرفته است. این ماده رفتارهای جنسی پیش از زنا را جرم‌انگاری می‌نماید. ممکن است شخص روسپی مرتکب چنین اعمالی باشد و بتوان با این استدلال به مجازات وی اقدام نمود، اما باید توجه داشت در این صورت نمی‌توان ادعا کرد که این ماده جرم روسپیگری را مورد ممنوعیت و مجازات قرار داده است؛ زیرا در بسیاری از موارد، افراد روسپی با این ماده قابل مجازات نیستند و تنها مقدمات آن قابل مجازات است.

روسپیگری و خلأ قانونی

با بررسی مواد قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی معلوم می‌شود، قانونگذار در قانون مجازات عمومی با عنایت به موضوع روسپیگری و با مدنظر قراردادن چرایی جرم‌انگاری این رفتار، به جرم‌زدایی از آن پرداخته است؛ اما قانونگذار در قانون مجازات اسلامی یا کلاً از موضوع غفلت کرده و در هنگام تصویب قانون، این موضوع را مدنظر نداشته یا تصور نموده با وجود مجازات‌های حدی و نیز مجازات‌های مندرج در فصل هجدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، نیازی به جرم‌انگاری مستقل در مورد این رفتار وجود ندارد و تمامی مصادیق روسپیگری مشمول یکی از این دو دسته قوانین می‌شود. لذا این تلقی اشتباه، منجر به ایجاد خلأ قانونی در این موضوع شده است. (رحمدل، ۱۳۹۲: ۸۷)

نقش کنوانسیون در احقاق حقوق کودکان

توجه بیشتر دولت به حقوق کودکان اولین و مهمترین راهکار برای اجرای کامل کنوانسیون و احقاق حقوق کودکان ایرانی است؛ زیرا طبق ماده ۴ کنوانسیون کشورها پس از پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک موظف اند اقدامات لازم را برای این کار انجام دهند، در حالی که دولت ایران این وظیفه را به درستی انجام نمی‌دهد. لذا دولت ایران می‌تواند با عمل کردن به قوانین کنوانسیون، حمایت‌های قانونی و محکمی از کودکان انجام دهد. از آنجا که نهاد خانواده اولین و مهمترین جایگاه رشد و پرورش کودک است و تحقق بسیاری از حقوق کودکان در گرو سلامت و امنیت و آسایش خانواده است، بنابر این توجه به نهاد خانواده می‌تواند در جهت احقاق حقوق کودکان بسیار موثر باشد. (عبادی، ۱۳۸۶: ۱۴۸)

توجه ویژه به زنان و مادران و تلاش در راه آموزش، رشد و پرورش آنان و رفع نیازها و موانع پیشرفت آنها در زمینه های مختلف؛ زیرا بدون مشارکت زنان تحقق حقوق کودک امکان پذیر نیست. در کشور ما مرجع قانونی، مرکز اطلاع رسانی و مکان امنی که کودک در صورت ضرورت بتواند به آنجا مراجعه کند وجود ندارد، لذا وجود مرجعی واحد و یکپارچه برای کودکان با عنوان شورای عالی کودک می تواند مشکلات این قشر عظیم را به حداقل برساند. وجود مکان های امن برای نگهداری از کودکان آسیب دیده، می تواند در جهت احقاق حقوق کودکان و کاهش آزار و اذیت آنها بسیار مثر ثمر باشد؛ زیرا وقتی کودکی مورد تجاوز ناپدیری خود قرار می گیرد، در صورت وجود مکانی امن برای وی، دیگر مجبور به بازگشت به خانه ناپدیری خود و تحمل آزار بیشتر نیست و می تواند در آن مکان امن به راحتی و بدون آزار اذیت به زندگی خود ادامه دهد. آگاهی و آموزش دادن نیز می تواند در جهت احقاق حقوق کودکان نقش بسیار موثری ایفا کند؛ زیرا بسیاری از مردم از قوانین بی اطلاعند؛ به طوریکه والدین، بسیاری از اعمال خود از جمله کتک، تهدید و حتی حبس کودکان را شیوه ای تربیتی تلقی می کنند. لذا آموزش و آگاهی دادن به مردم علاوه بر اینکه از وظایف دولت است، می تواند در جهت تحقق حقوق کودکان مفید باشد. (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۴: ۵۴)

نتیجه گیری

برخی از گروه ها همانند اطفال در برابر پدیده بزه کاری آسیب پذیرترند و احتمال بزه دیده واقع شدنشان بیشتر از سایر گروه هاست، از این رو به حمایت با بیشتر احتیاج دارد. این سیاست به معنای تبعیض در اجرای قوانین کیفری نیست. سیاست افتراقی ابتدا در اسناد بین المللی و سپس در قوانین داخلی ماهوی و شکلی وارد شد. بشر به این نتیجه رسید که نه تنها در هنگام وقوع جرم بلکه در هنگام دادخواهی نیز احتمال بزه دیده شدن وجود دارد که خطرات آن کمتر از بزه دیدگی اولیه نیست. از این رو در آیین دادرسی کیفری نیز حمایت هایی در جهت حقوق بزه دیدگانی که در معرض خطر قرار دارند در نظر گرفته شد. به عنوان مثال، مقررات خاصی از قبیل استفاده از دستگاہهای ویدئویی برای استماع اظهارات اطفال بزه دیده مقرر شده است. قانون گذار تلاش کرده است قوانین داخلی را اصلاح کند که از جمله می توان به تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک یکی از عوامل تأثیر گذار در تصویب آن است و قانون مبارزه با قاچاق انسان اشاره کرد. در کنار این تغییر می توان اقدامات دیگری را نیز اجرا نمود تا انگیزه مجرمان در ارتکاب جرم علیه اطفال کاهش یابد. از جمله این اقدامات می توان به ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه قانونی در مورد بزه کاران جرایم علیه اطفال اشاره نمود. علاوه بر این اصلاح مقررات قانونی در حوزه هایی که در این تحقیق به آنها اشاره گردید و ایرادهای آنها مطرح شد نیز می تواند بسیار کارساز بوده و احتمال بزه دیدگی اطفال را کاهش می دهد. اصلاح موادی که احتمال بزه دیدگی اطفال را افزایش می دهد نیز بسیار ضروری است. امروزه همه پذیرفته اند که در حوزه اطفال با قوانین کنونی نمی توان از بزه دیدگی اطفال پیشگیری کرد؛ و بر این اساس به تازگی ایده تشکیل پلیس کودک مطرح شده است. مباحثی در ارتباط با حقوق کودکان و پدیده کودک آزاری، انواع، دلایل و نقد و بررسی قانونی و فقهی آن بیان گردید. عنوان شد که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان علیرغم جایگاه روشن فقهی قضیه، از حیث عدم اشتغال بر همه مصادیق کودک آزاری و پیش بینی مجازات خفیف دارای اشکال اساسی در برخورد با جرم کودک آزاری است؛ اما آنچه که جای بحث و تامل اساسی دارد، تعدد علل کودک آزاری در جامعه می باشد؛ شناخت این دلایل از حیث پیشگیری از این معضل واجد اهمیت اساسی است. در مجموع راهکارهای زیر می تواند به نحو موثری از بروز این واقعه پیشگیری کند.

بر این اساس ثبت موارد کودک آزاری در خانواده ها بصورت منظم و در دوره های زمانی از سوی سازمانها و نهادهای تخصصی با عملکرد مرتب، برگزاری نشست های علمی و خانوادگی برای بررسی و تحلیل کودک آزاری والدین و شرارت فرزندان، ایجاد دوره های آموزشی برای سازمانهای مرتبط و درگیر با مباحث و بسترهای کودک آزاری، طراحی و برگزاری واحدهای درسی آشناسازی کودکان و نوجوانان دانش آموز در تمام مقاطع تحصیلی برای آگاهی از مصادیق کودک آزاری و راهکارهای دفاع از خود و گزارش آنها به سازمانهای مسئول، تعریف و بیان حقوقی و قضایی روابط کودک- والدین برای زوجهای جوان قبل از

تشکیل خانواده، فعال سازی واحدهای خاص برای پیوند بین نهادهای کیفری - قضایی و خانواده، استفاده از صدا و سیما به عنوان یک رسانه گروهی در جهت تنویر اذهان عمومی در خصوص حقوق کودک و رعایت آن، فضا سازی فرهنگی - تربیتی و گسترش اخلاق اسلامی و آموزش مهارت های زندگی به والدین برای آموختن نحوه ارتباط با کودکان و ... از روشهای مناسب در جهت پیشگیری از معضل کودک آزاری به حساب می آیند.

در این رابطه اصلاح قوانین در جهت حمایت بیشتر از کودکان می تواند اولین گام در مبارزه با کودک آزاری به شمار آید و در پایان باید متذکر شد که در زمینه مبارزه با جرم و بزهکاری به طور اعم و کودک آزاری به طور اخص، اساسی ترین روش ایجاد نظام اجتماعی سالم و عاری از هرگونه فساد و خشونت و ضامن امنیت روانی، اقتصادی و... است که تمام شهروندان در آن از امکانات و موقعیتهای مشابه و متناسب برخوردار باشند به گونه ای که تمام اقشار جامعه به طور یکسان امکان پیشرفت و تعالی داشته باشند؛ بنابراین تنها پس از تحقق این شرایط است که جامعه بی تردید استحقاق این را خواهد داشت که متخلفان و برهم زندگان نظم اجتماعی را در راستای هماهنگی با جامعه و بازگشت دوباره به آغوش جامعه به مجازات برساند. حقوق کودک یکی از زمینه های مهم حقوقی است که از دیدگاه های متفاوت و در رشته های مختلف حقوق مورد بحث و بررسی واقع شده و دارای ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی داخلی و بین المللی است. این حقوق هم در سطح بین المللی (۱۹۸۹) و هم در سطح داخلی (۱۳۷۲) مورد توجه خاص قرار گرفته است، به طوریکه علاوه بر تاکیدی که در اسلام به حقوق کودک شده است، در قانون اساسی ایران (اصل ۲۱) و در قوانین مدنی و جزایی نیز پاره ای مقررات حمایتی در این زمینه آمده است؛ اما ایران همچنان فاصله بسیار زیادی تا اجرای کامل کنوانسیون حقوق کودک دارد، زیرا با این وجود همچنان کودکان بسیاری از نعمت آموزش محرومند، بسیاری از کودکان در ایران فاقد شناسنامه و در حقیقت فاقد هویت اند، بسیاری از آنان هنوز مورد تجاوز جنسی حتی از جانب پدران خود قرار می گیرند، کودکان بسیاری به خاطر فقر و بدبختی همچنان زیر سن قانونی به سر کار می روند و حتی به کار های سخت و طاقت فرسا گماشته می شوند، همچنان کودکان بسیاری در خیابان های تهران و سایر شهرستان ها با گدایی روزگار می گذرانند و... که مهمترین دلایل این امر به دولت بر می گردد. اولاً: دولت جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون حقوق کودک را به صورت مشروط پذیرفته است، ثانیاً: مواردی مغایر با این کنوانسیون در قانون مدنی خود به آن افزوده است که این قوانین در بسیاری از موارد ساده ترین حقوق کودک را نادیده می گیرد. ثالثاً: دولت به وظایف خود در همان حدی که خود پذیرفته و در قوانین داخلی اش آورده، عمل نمی کند، از جمله آموزش کودکان و خانواده ها، پذیرفتن کودک به عنوان یک موجود مستقل، توجه به نهاد خانواده و ... لذا این عوامل باعث شده که مسایل و مشکلات کودکان در ایران از حالت بهنجار خود خارج شده و نیازمند عزم و اراده ملی و همگانی برای جبران مافات خود باشد.

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- پیشنهاد می شود که بوجود آوردن مکان هایی امن و مناسب برای نگهداری از کودکان آسیب دیده می تواند در احقاق حقوق و کاهش آزار و اذیت آنان موثر باشد.
- ۲- پیشنهاد می شود که که آگاهی و آموزش دادن در مورد حقوق کودکان و حمایت از آن ها می تواند نقش بسیار موثری ایفا کند زیرا درصد بالایی از مردم از قانون اطلاعا ندارند.
- ۳- ایجاد منابع قانونی که حقوق کودکان بزه دیده از آنها استرداد شوند اهمیتی بسزا دارد.
- ۴- پیشنهاد می شود که اگر بخواهیم که اقدامات و سیاستهای مورد نظر علاوه بر ملاحظات بشر دوستانه در مورد بزه دیدگان و وضعیت آنها، بر معیارهای دیگری نیز مبتنی باشند، لازم است پایه های حقوقی و اجتماعی تعهدات جامعه و نیز مسئولیت بزهکار را نسبت به کودکان بزه دیده تعیین نمائیم.
- ۵- پیشنهاد می شود که بوجود آوردن مراکز مشاوره یکی از راهکار های موثر در احقا حقوق کودکان بزه دیده می باشد و این مراکز باید با حمایت دولت به صورت رایگان به کودکان بزه دیده و قربانیان خدمات مشاوره بدهند.

- ۶- پیشنهاد می شود که در دادگاه اطفال مددکار اجتماعی و روانشناس حضور داشته باشد همچنین برای کودکان بزه دیده وکیل در نظر بگیرند خصوصا برای کودکان بزه دیده جنسی.
- ۷- پیشنهاد می شود حمایت هایی از کودکان بزه دیده شود که چه نیازهائی دارند و این نیازها چگونه باید برطرف گردد؟ اینها مسایلی است که با تحقیقات روشن خواهد شد. برخی دیگر چندان آشکار نیستند. نیازهای گوناگونی وجود دارد و پاره ای از نیازها مختص برخی از گروهها یا انواع بزه دیدگان هستند.
- ۹- پیشنهاد می شود دولت باید برای سرویسهای عمومی و قضایی، چارچوبی جهت پذیرش بزه دیدگان معین نماید. این چارچوب، باید حاوی اولویتهای اساسی در این زمینه باشد.
- ۱۰- پیشنهاد می شود باید حضور دائمی یک امدادگر اجتماعی یا استقرار دفتر سرویس کمک به کودکان بزه دیده در کلانتریها و ژاندارمریها تضمین شود.
- ۱۱- پیشنهاد می شود پس از کسب موافقت کودکان بزه دیده، پلیس و ژاندارمری باید به طور نظامند با نزدیکترین انجمن کمک به بزه دیدگان ارتباط برقرار کنند. انجمن برای معرفی سرویسهای مورد نظر، با کودکان بزه دیده تماس برقرار خواهد نمود و اطلاعات جامعی در مورد حقوق و روند دادرسی به آنان می دهد.
- ۱۲- پیشنهاد می شود و شایسته است در قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شود که ثبت شکایت هر بزه دیده از جرم کیفری، از جمله وظایف سرویسهای بازپرسی محسوب می شود.
- ۱۳- پیشنهاد می شود سرویس بازپرسی که شکایت بزه دیده را دریافت می کند باید به طور نظامند، بزه دیده را از روند تعیین سرویس تحقیق و همچنین انتقال پرونده به دادسرا آگاه نماید.

منابع و ماخذ:

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی قوام، صغری، اثرات سوءاستفاده و بدرفتاری بر تحمل اجتماعی و روانشناختی کودک، مجمع علمی جایگاه تربیت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۴ ص ۶/۴۳۳
۳. اکبری و قناد، (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان سیاست کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزه دیده گردشگری جنسی پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۲۱.
۴. آخوندی، محمود (۱۳۹۲) آیین دادرسی کیفری، جلد نهم، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات میزان.
۵. آخوندی، محمود (۱۳۸۱)، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، قم، اشراق.
۶. آشوری محمد، وروایی اکبر خانواده و روسپیان خیابانی فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹ ص ۱
۷. آشوری، محمد و دیگران (۱۳۹۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، گرایش.
۸. آقا بیگلولی، عباس، سید کاظم رسول زاده طباطبایی، حسن موسوی، (۱۳۹۰) کودک آزاری، چاپ سوم، تهران: انتشارات آوند دانش.
۹. بولانگی، علی و جمادی رضا (۱۳۹۲) قانون نموداری، انتشارات فروغ دانش.
۱۰. بهشتی، احمد (۱۳۸۷) اسلام و حقوق کودک، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات.
۱۱. جعفری لنگرودی محمد (۱۳۸۵) حقوق اموال، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۱۲. جعفری لنگرودی محمد (۱۳۸۹) ترمینولوژی حقوقی چاپ ششم: تهران، گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی محمد، (۱۳۹۱) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، چاپ بیست دوم، نشر گنج دانش.
۱۴. خالقی، علی (۱۳۹۲) آیین دادرسی کیفری در قانون جدید، تهران انتشارات شهر دانش چاپ هفدهم
۱۵. دولت آبادی، شیوا (۱۳۸۹) سخنرانی پیرامون حقوق کودک، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱۶. رحمدل، منصور (۱۳۹۲) تناسب جرم و مجازات، تهران انتشارات سمت چاپ دوم.
۱۷. زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۱) مبانی رفاه اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۸. ژرار-ژینا فیلیزولا، (۱۳۸۸) بزه دیده و بزه دیده شناسی با دیباچه ای از دکتر علی حسین نجفی ابراندآبادی ترجمه روح الدین کرد علی وند و احمد محمدی، تهران انتشارات مجتمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۹. شایان علی، (۱۳۹۴)، پیشگیری از جرم عدالت برای بزه دیدگان، تهران، سلسبیل.
۲۰. صالحی، حمیدرضا و اسماعیل پور، مانده، تاملاتی در کودک آزاری با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۶۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ صص ۱۱۷-۱۴۲
۲۱. صناعی، پرویز (۱۳۸۸)، حقوق جزای عمومی، تهران، طرح نو.
۲۲. صفائی، حسین، (۱۳۸۹) عدم اجرای تعهد و آثار آن، جلد دوم، نشریه موسسه عالی حسابداری، تهران.
۲۳. صلابی جاوید، (۱۳۸۹) بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ هشتم.
۲۴. طبیبی جبلی، مرتضی و همکاران سازوکارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه از نظر فقه و حقوق دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۵۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲ صص ۸۱
۲۵. عبادی، شیرین (۱۳۸۶) حقوق کودک تطبیقی، تهران: انتشارات کانون کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ چاپ سوم.
۲۶. عبدالفتاح، عزت، «از سیاست مبارزه با بزه کاری تا سیاست دفاع از بزه دیده»، قضایی و حقوقی دادگستری، ۱۳۹۴، ش ۳، ص ۸۹
۲۷. علوی، سیدحمیدرضا در پژوهشی با عنوان تاثیر عوامل اجتماعی بر گرایش افراد به اعتیاد، سرقت و روسپیگری دو فصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ صص ۵
۲۸. قاسم زاده، فاطمه (۱۳۸۶) کنوانسیون حقوق کودک از تدوین تا تحقق، جامعه سالم، شماره ۳۱، اردیبهشت ۷۶، ۳۷-۸۶
۲۹. قوام، سید عظیم؛ نقش بزه دیدگان در کشف جرم و حمایت پلیس از آنان پژوهش ۵، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صفحه ۱۱۱-۱۴۴
۳۰. گلدوزیان ایرج، احمد پور ابراهیم در پژوهشی با عنوان بررسی قاچاق زنان در اسناد بین المللی و حقوق جزایی ایران دو فصلنامه پلیس زن، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ صص ۱۰۹.
۳۱. مدنی قهفرخی سعید، فقر و کودک آزاری در ایران فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۸۷ صص ۲۷۰
۳۲. مدنی، سعید، (۱۳۹۳) کودک آزاری در ایران، نشر اکنون، تهران.
۳۳. مصفا، نسرين (۱۳۹۲) کنوانسیون حقوق کودک و بهره برداری از آن در حقوق داخلی ایران، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، موسسه حقوق تطبیقی و مرکز مطالعات حقوق بشر.
۳۴. مهرا، نسرين، رویکرد جامعه شناختی حقوقی به پدیده کودک آزاری فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۸۷ صص ۲۵۰
۳۵. نرگسی، رضا تجاوز و بزه دیدگی زنان فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳ صص ۶۸

Review of Iran's Criminal Policy on the Prostitution of Children in Iranian Law and the Second Additional Protocol to the Convention on the Rights of the Child

Omid Mirfardi

Master of Criminal Law and Criminology

Abstract

The present study aims to investigate Iran's criminal policy on the phenomenon of prostitution of children in Iranian law and the Second Additional Protocol to the Convention on the Rights of the Child. The method of this research was descriptive-analytical. As it is clear from the title of this crime, the important element in its realization is the use of force and power by the perpetrator to establish a sexual relationship with the other person. In this regard, the opposite person, of course, resists and defends himself, but ultimately he is the perpetrator. He descends with his superiority towards him. This critical study will ultimately lead to proposals to amend existing legislation on the crime of child prostitution. Prostitution is rising as one of the most critical crises and social injuries in recent years in Iran and in many other countries of the world. Despite the efforts of many governments to reduce it day by day, with the growth and growth of this phenomenon in the world. One of the tools to deal with this phenomenon is criminal policy. Therefore, judges in such cases execute sentences for "adultery" and "crimes against chastity and public morality". The purpose of this study is to study the legal solutions of Iran and the Convention on the Rights of the Child in coping with this social problem and provide ways to reform the criminal policy and compensate for legal disadvantages. The most important of these solutions is to amend the criminal laws of Iran and the world according to the conventions. In this way, the legislator explicitly stated the crime of prostitution in the punishment law, and should distinguish between these two categories because of the differences in the characteristics of this offense with adultery. In this study, from the criminological point of view, the causes of the emergence of this phenomenon are hoped to be able to take a step towards reforming Iran's criminal policy against this problem.

Keywords: Child Prostitution, Convention on the Rights of the Child, Iran's Criminal Policy, Criminalization.
